

سنجش میزان وفاق اجتماعی در جوامع شهری: مورد مطالعه: شهروندان ایلام

دکتر رضاعلی محسنی^۱، خلیل کمربگی^۲، فرزاد درویشی^۳

چکیده

وفاق اجتماعی، پایه و اساس هر نوع برنامه‌ریزی و سیاستگذاری در جامعه محسوب می‌شود، تعیین میزان و عوامل مرتبط با آن، می‌تواند به امر توسعه در آن جامعه کمک نماید. هدف اصلی پژوهش حاضر تعیین میزان وفاق اجتماعی و برخی از عوامل مرتبط با آن در جامعه‌ی شهری ایلام است. این پژوهش، با روش پیمایشی و داده‌های آن با استفاده از تکنیک پرسشنامه جمع‌آوری شده است. تعداد نمونه مورد بررسی ۳۸۰ نفر از شهرنشینان در شهرستان ایلام می‌باشد. نتایج تحلیل آماری بر روی داده‌ها در دو بخش توصیفی و تبیینی ذکر شده است. یافته‌های توصیفی بیانگر آن است که میزان وفاق اجتماعی عام در بین پاسخگویان در حد متوسط می‌باشد. نتایج آزمون F نشان داد که بین مشارکت اجتماعی، قشر اجتماعی و میزان تحصیلات با وفاق اجتماعی رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار و متغیر تقدیرگرایی با وفاق اجتماعی معکوس و معنی‌دار است. همچنین کلیه‌ی متغیرهای وارد شده در معادله‌ی رگرسیون، توانستند ۴۰٪ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند که بیشترین سهم متعلق به مشارکت اجتماعی با ۳۶٪ و کمترین سهم متعلق به قشر اجتماعی با ۰۹٪ بود. می‌توان عنوان کرد، پدید آمدن نوعی از وفاق کاذب در جامعه، از موانع اصلی ایجاد وفاق اجتماعی عام بوده که باید با در پیش گرفتن راه‌کارهای مناسب، در کاهش این نوع از وفاق، حرکت کرد.

۱- دانشیار جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

mohseni.net14@gmail.com

۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و رییس گروه تحقیق و پژوهش آموزش و پرورش ایلام

kkamarbeigi@yahoo.com

alamtoo58@gmail.com

۳- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

تاریخ پذیرش: ۹۸/۲/۸

تاریخ وصول: ۹۷/۱۱/۱۵

کلیدواژه‌ها: وفاق، وفاق اجتماعی عام، جامعه‌ی شهری، انسجام اجتماعی

مقدمه

وفاق اجتماعی^۱ از جمله مفاهیمی است که از ابتدای پیدایش علمی به نام جامعه‌شناسی، مورد توجه اندیشمندان و جامعه‌شناسان قرار گرفته، به طوری که می‌توان اغلب متفکران و جامعه‌شناسان کلاسیک را به دو دسته‌ی بزرگ، طرفداران وفاق و هواخواهان تضاد تقسیم نمود. بیشتر جامعه‌شناسان کلاسیک محور اساسی جامعه را وفاق دانسته و آن را نیاز اصلی پیدایش و تداوم یک جامعه دانسته‌اند. به این لحاظ، در جامعه‌شناسی نظریه‌ی وفاق^۲ شکل گرفت که آن "مجموعه‌ای از نظریه‌هاست که نظم، ثبات و مقررات اجتماعی را شکل می‌بخشند. به عبارتی دیگر، نظریه‌ی وفاق، به حفظ و ادامه‌ی نظم در جامعه توجه دارد و با هنجارهای مقبول، ارزش‌ها، قوانین و مقررات پذیرفته شده، به صورت گسترده یا جمعی سروکار دارد. نظریه‌ی وفاق از جامعه‌شناسی نظم اجتماعی، ثبات و مقررات اجتماعی پدیدار گشته است". جامعه‌شناسانی همچون آگوست کنت، تونیس، دورکیم، زیمل، پارتو، وبر، پارسونز، کوزر و دیگران، در آثار خود، درباره ابعاد مختلف مفهوم وفاق اجتماعی به بحث پرداخته‌اند. کنت، بنیاد هر جامعه‌ای را وفاق ذهنی اعضای آن، بر پایه‌ی باورهای مشترک می‌داند. دورکیم با تقسیم‌بندی همبستگی اجتماعی، به مکانیکی و ارگانیکی، همبستگی جامعه‌ی قدیم را همبستگی مکانیکی مبتنی بر وفاق بر سر ارزش‌ها و قواعد اخلاقی مورد پذیرش اکثریت اعضای جامعه می‌نامد و همبستگی جامعه‌ی جدید را، ناشی از تقسیم کار اجتماعی و نیاز متقابل افراد به یکدیگر می‌پندارد. زیمل از منظری دیالکتیکی به وفاق نگریسته و وجود نیروهای موجد ستیز و وفاق را مثبت ارزیابی می‌کند و تصور جامعه‌ای برخوردار از همبستگی کامل و عاری از هرگونه ستیزه را غیرواقعی و ناممکن می‌داند. پارسونز هسته‌ی نظم اجتماعی را در چگونگی هنجارهایی می‌بیند که مبتنی بر اصول مشترک ارزشی در جامعه است و سرانجام لوئیس

1- social consensus

2- Consensus Theory

کوزر، وفاق را همفکری و هم‌احساسی میان افراد و تصمیم‌گیرندگان اصلی در مورد موضوعات و اولویت آنها ارزیابی می‌کند (نقدی و کمربگی، ۱۳۸۹).

در زمینه‌ی وفاق اجتماعی تاکنون پژوهش‌هایی انجام گرفته که می‌توان آن‌ها را به دو دسته تقسیم نمود: دسته‌ای که به مفهوم وفاق اجتماعی پرداخته و به نوعی به سنجش یا بررسی عوامل موثر بر آن می‌پردازند و دسته‌ای دیگر که به مفاهیم مرتبط با وفاق اجتماعی مانند: انسجام اجتماعی، پیوستگی اجتماعی و همبستگی اجتماعی اختصاص دارند. در مقاله‌ی حاضر، وفاق اجتماعی در جامعه‌ی شهری مورد بررسی قرار گرفته که هم از لحاظ عنوان و هم محتوا متفاوت می‌باشد.

در این مقاله، نویسندگان به دنبال بررسی مساله‌ی وفاق اجتماعی در جامعه‌ی شهری بوده و در پی آن بوده‌اند تا با استفاده از روش پیمایشی، ضمن بررسی مساله، عوامل مرتبط با آن را شناسایی کنند.

طرح مساله و ضرورت آن

یکی از مفاهیم کلیدی در علوم اجتماعی، مفهوم وفاق اجتماعی است. از این مفهوم تعاریف متعددی به عمل آمده است. بر همین اساس، از تعاریف مشابه و مترادف با مفهوم وفاق و دسته‌بندی‌های مختلف از سوی جامعه‌شناسان، می‌توان به تعدد این تعاریف پی‌برد "نیک‌گهر" عنوان می‌دارد که "در جامعه‌شناسی منظور از وفاق اجتماعی، اجماع شهروندان بر سر ارزش‌ها و اعتقادات مشترک است" و آن را، ملاط‌یگانگی اجتماعی می‌داند (نیک‌گهر، ۱۳۷۳: ۳۶۹). "ارمکی" نیز از دو منظر، نظری و ذهنی و واقعی و عینی، وفاق را مورد مطالعه قرار می‌دهد. از نظر او، از بعد نظری، وفاق اجتماعی، حدود نزدیکی و سازگاری باورهای افرادی است که قرار است میان آن‌ها، وفاق به وجود آید. اما از بعد عینی، رفتار و نوع نظام اجتماعی است که در آن برآیند نیروها در جهت سازگاری، انطباق و تعادل بیشتر میان اعضا است (ارمکی، ۱۳۸۰: ۱۷).

بودون^۱ و بوریکو^۲ معتقدند: وقتی از جامعه‌ای با وفاق اجتماعی نیرومند صحبت می‌شود به طور کلی منظور این است که:

۱- ظرفیت مذاکره میان کارفرمایان و حقوق بگیران رضایت بخش است.

۲- روابط احزاب سیاسی به گونه‌ای است که میان آنها انتقال قدرت به مسالمت صورت می‌گیرد.

۳- قانون اساسی دولت، مورد قبول هم اقلیت و هم اکثریت است.

۴- مردم از هر قشر و طبقه اجتماعی، هوادار هر مسلک سیاسی و پیرو هر دینی که باشند از لحاظ آنچه در سازمان اجتماعی مطلوب است همگرایی شان در عقاید نیرومند است. (بودون و بوریکو، ۱۳۸۵: ۷۶۶)

"عبداللہی" و "چلبی"، از جمله‌ی کسانی هستند که در ایران، بیشتر از سایرین به وفاق اجتماعی پرداخته‌اند. عبداللہی معتقد است: تنها از طریق مشاهده‌ی رفتار عینی مردم اعم از قانونی و عرفی می‌توان به وجود وفاق اجتماعی پی برد. او عنصر ماهوی وفاق اجتماعی را، اشتراک در ارزش‌ها دانسته و اعتقاد دارد ابزار دستیابی به آن نیز جامعه‌ی مدنی است (عبداللہی، ۱۳۷۸: ۳). "چلبی" نیز در نخستین مقاله‌ی خود پس از ذکر چندین تعریف از وفاق اجتماعی به کاری ترکیبی دست زده و از ترکیب این تعاریف، به تعریف وفاق اجتماعی و با پسوند عام یا تعمیم یافته اقدام می‌کند. او در تعریف خود از وفاق اجتماعی می‌آورد که: وفاق اجتماعی عبارت است از توافق جمعی بر سر راه مجموعه‌ی از اصول و قواعد اجتماعی که در یک میدان تعامل اجتماعی^۳ که خود موجد انرژی عاطفی^۴ است به وجود می‌آید (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۵۲).

میزان و درجه‌ی وفاق اجتماعی تحت تاثیر عوامل مختلف می‌باشد. بنابر تحقیقات به عمل آمده، محل سکونت و مکان زندگی افراد از جمله متغیرهایی است که نظام‌های خاص شخصیتی را پرورش داده و بر میزان وفاق اجتماعی تاثیرگذار است (عبداللہی،

1 - Boudon

2 - Boudon&Bourricaud

3 - communal

4 - Emotional Energy

بی تا و روانبخش، ۱۳۸۶). مکان و محل زندگی افراد از توانایی هویت‌سازی بالایی برخوردار بوده و می‌توانند نوع خاصی از وفاق را در بین اعضای محل پدید بیاورند که با میزان و نوع وفاق در محل و مکان دیگر متفاوت می‌باشد؛ در نتیجه با توجه به نوع جامعه، ما با درجات مختلفی از وفاق روبرو هستیم. وفاق اجتماعی که این پژوهش به دنبال بررسی آن است از نوع عام و تعمیم یافته بوده و نوعی اتفاق نظر در زمینه‌ی ارزش‌ها و هنجارهای فراگیر و فراتر از مرزهای استانی می‌باشد. این نوع وفاق اتفاق نظری کلان‌نگرانه محسوب گردیده که با نوع خرد آن که در سطح اجتماعات کوچک و سنتی مطرح بوده و به گفته‌ی هوتون^۱ «خود به خودی» است، تفاوت دارد. این پژوهش در پی آن است تا میزان دوری و یا نزدیکی جامعه‌ی شهری را از این وفاق، مشخص نماید. در مجموع می‌توان عنوان نمود که مساله‌ی اصلی تحقیق حاضر، آن است تا میزان وفاق اجتماعی عام را در جامعه‌ی شهری تعیین نموده و بتواند برخی از عواملی را که بر آن موثرند، شناسایی نماید.

اهداف تحقیق:

هدف اصلی این تحقیق آن است تا میزان وفاق اجتماعی عام را در جامعه‌ی شهری تعیین نموده و برخی از عوامل مرتبط با آن را شناسایی نماید. اهداف ویژه عبارت است از:

- ۱- سنجش میزان وفاق اجتماعی عام در میان جمعیت آماری
- ۲- مقایسه‌ی میزان وفاق اجتماعی عام با توجه به برخی از متغیرهای زمینه‌ی ای آنان
- ۳- بررسی رابطه‌ی برخی از متغیرهای فرهنگی و اجتماعی با وفاق اجتماعی عام

چارچوب نظری

وفاق اجتماعی با مفاهیمی چون همبستگی اجتماعی، انسجام اجتماعی، انتظام اجتماعی، منظومه‌ی اجتماعی و غیره از یک خانواده بوده و با آنها دارای ارتباط مفهومی و منطقی است. هرچند می‌شود گفت که هرکدام از این مفاهیم دارای تعاریف متفاوتی نیز است. پیرامون مفهوم وفاق اجتماعی در فرهنگ‌های علوم انسانی و اجتماعی، معانی مختلفی بیان شده است. هرچند می‌توان خمیرمایه‌ی اصلی تعاریف مختلف این مفهوم را، ارزش‌ها و هنجارهای اساسی یک جامعه، دانست. این مفهوم هرچند توسط برخی از جامعه‌شناسان کلاسیک در قالب مفاهیم هم‌خانواده‌ی خود نیز، تعریف شده است اما هرچه بر گذشت زمان افزوده شده، تفاوت‌های این مفاهیم هم‌خانواده، روشن‌تر می‌شود. آلن بیرو^۱ وفاق را معادل اجتماع دانسته و آورده است که این واژه دلالت بر پیدایی، اتفاق نظر و توافق آشکار و یا نهان در یک گروه دارد. این توافق خواه در باب زمینه‌های اصلی حیات آن گروه و یا دلایل خواست اعضای آن، به اینکه حیاتی مشترک داشته باشند. بیرو معتقد است وفاق اساس یک زندگی مثبت اجتماعی را تشکیل داده و اضمحلال آن موجب بی‌سازمانی، فروریزی ساخت جامعه و از هم پاشیدگی حیات اجتماعی می‌شود (بیرو، ۱۳۷۵: ۵-۶۴ به نقل از نقدی و همکاران، ۱۳۹۱). از نظر پارسونز^۲، کنش اجتماعی، هر نوع حرکت معنی‌داری است که در سطح خرد از فرد و در سطح کلان از جامعه سر می‌زند. از نظر او کنش، با قصد و نیت قبلی انجام گرفته و نسبتاً ارادی نیز بوده که در ارتباط با دیگران صورت گرفته و هدف خاصی را نیز دنبال می‌کند. او معتقد است که هر کنشی که از انسان سر می‌زند دارای ۳ خصلت ذاتی بوده که او این‌ها را «محیط‌های درون‌کنشی» می‌نامد که عبارتند از ۱- خصلت زیستی یا ارگانیستی ۲- خصلت شخصیتی ۳- خصلت فرهنگی. از دیدگاه پارسونز، ارگانیسم اولین مرجع یا منشأ کنش بوده که رابط انسان با محیط طبیعی او می‌باشد. این صفت، وجه مشترک انسان با حیوان بوده که پارسونز می‌گوید انسان برخلاف سایر حیوانات از لحاظ رفتاری در سطح ارگانیسم باقی نمی‌ماند، چرا که زاده‌ی یک محیط فرهنگی است؛ یعنی از درون

1 - A. Birou

2 - parsons

مجموعه‌ای از عقاید، باورها، ارزش‌ها و هنجارها سر برآورده است. فرد از طریق تعلیم و تربیت و اجتماعی شدن در جریان این عقاید، ارزش‌ها و هنجارها قرار گرفته و بخشی از آنها را درونی می‌کند که این بخش درونی شده، نظام شخصیتی فرد را تشکیل می‌دهند. یعنی نظام شخصیتی فرد ترکیبی از ارگانیسم و نظام فرهنگی است. وقتی نظام شخصیتی شکل گرفت انسان در فرآیند کنش و برای نیل به مقصود به جای تبعیت از ارگانیسم و غرایز، از نظام شخصیتی تبعیت کرده که کارکرد آن هدایت انسان به سوی نیل به هدف خاصی می‌باشد. کنش‌های افراد همسو و هم جهت شده و تحت تأثیر «شخصیت و فرهنگ»^۱ الگو می‌پذیرند که از برآیند کنش‌های متقابل همسو و هم جهت، نظام اجتماعی شکل گرفته که کارکرد آن یگانگی و وفاق بین افراد است (شف،^۱ ۱۹۶۷: ۳۳).

"مسعود چلبی" نیز که وفاق اجتماعی را توافق جمعی در خصوص باورها، ارزش و هنجارهای محوری جامعه تعریف می‌کند، از «اعتماد اجتماعی عام» به عنوان یکی از مشخصه‌های وفاق اجتماعی در جامعه نام برده و از تعاملات اظهاری یا روابط گرم بین افراد، به عنوان ایجاد کننده‌ی اعتماد اجتماعی یاد می‌کند. "محسنی تبریزی" نیز معتقد است در سنجش وفاق اجتماعی باید اعتماد اجتماعی را به عنوان یکی از شاخص‌های اساسی آن مورد توجه قرار داد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰).

"پیتر بلاو"^۳ عقیده دارد که وفاق اجتماعی در جامعه زمانی رخ می‌نماید که بخشی از جامعه، برپایه‌ی عواملی چون سن، جنس، نژاد، شغل و همسایگی به درجه‌ی بالایی از همانندی‌ها دست یابند. لذا از نظر "بلاو" مبادلات اجتماعی از طریق ایجاد نوعی اعتماد اجتماعی، تفکیک نقش (تخصصی شدن) و وابستگی متقابل، منجر به ایجاد وفاق اجتماعی خواهد شد (ریتزر، ۱۳۷۴).

1 - Personality and culture

2- scheff

3 - P. Blau

"پاتنام"^۱ از جمله صاحب‌نظرانی است که در خصوص رابطه‌ی بین مشارکت اجتماعی و همبستگی اجتماعی در جامعه به مطالعه پرداخته است. حاصل مطالعات و تحقیقات او نشان می‌دهد که مشارکت اجتماعی عام، منجر به همبستگی اجتماعی در جامعه می‌گردد. در این راستا کوثری (۱۳۷۵)، ازکیاء و غفاری (۱۳۸۰) و همچنین افروغ (۱۳۷۸)، با انجام تحقیقات و مطالعات، اثبات نموده‌اند که مشارکت اجتماعی بیشتر، به وفاق اجتماعی در جامعه منجر خواهد شد. همانطوری که در بخش‌های ابتدایی این فصل ذکر گردید پیرامون رابطه‌ی قشر اجتماعی با وفاق اجتماعی تحقیقات گوناگونی صورت پذیرفته است (صداقت زادگان (۱۳۷۸)، روان بخش (۱۳۸۶)، گرین (۲۰۰۳)^۲ و...). تفاوت در نتایج این تحقیقات نشانگر تفاوت آنها در تعریف وفاق اجتماعی بوده است. اما جمع بندی نتایج این پژوهش‌ها را می‌توان در دیدگاه‌های "هینمان"^۳ ملاحظه نمود که هرچه افراد در قشرهای اجتماعی بالاتری قرار داشته باشند، میزان وفاق اجتماعی در میان آنها نیز، بیشتر خواهد بود. در این میان "هینمان" بر متغیر تحصیلات تأکید بیشتری داشته و معتقد است تحصیلات بالا، وفاق اجتماعی بیشتری را در پی خواهد داشت (میدری و دیگران، ۱۳۸۳).

برخی از صاحب‌نظران اجتماعی چون راجرز^۴، فاستر^۵، ردفیلد^۶ و... در قالب نظریه‌ی خرده فرهنگ دهقانی به بحث تقدیرگرایی پرداخته و آن را مانع توسعه و پذیرش نوسازی و تغییر در جامعه دانسته‌اند. از آن جا که وفاق اجتماعی هموارکننده‌ی راه توسعه و ایجاد تغییر در جامعه محسوب می‌گردد، باید تقدیرگرایی را از موانع وفاق اجتماعی عام در جامعه دانست که رابطه‌ی معکوس با آن دارد.

بنابر تحقیقات صورت گرفته، وسایل ارتباط جمعی با وفاق اجتماعی رابطه داشته و نتایج تحقیقات صورت گرفته در داخل و خارج از کشور این امر را نشان می‌دهد. حاصل

-
- 1 - Putnam
 - 2 - Green
 - 3 - Heyneman
 - 4 - Rogers
 - 5 - Faster
 - 6 - Redfield

مباحث ارائه شده توسط "کازنو"^۱ و "لرنر"^۲ نشانگر این رابطه بوده و "دویچ"^۳ نیز از وسایل ارتباط جمعی، به عنوان به وجود آورنده وفاق اجتماعی در جامعه نام می‌برد. در این بین "بشیریه" معتقد است که در عصر جدید بدون بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی، همبستگی و وفاق در درون جامعه در سطح عام و گسترده‌ی آن صورت نخواهد گرفت. با توجه به مجموع مباحث نظری و پیشینه‌ی تجربی، می‌توان مدل نظری این پژوهش را به صورت زیر نشان داد. لازم به ذکر است که در این مدل رابطه‌ی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته که در فرضیات تحقیق آمده، با خطوط پر رنگ نشان داده شده و خطوط بریده بریده که در این مدل آمده، ارتباط متغیرها با همدیگر را نشان داده، اما در این پژوهش در قالب فرضیات مورد بررسی قرار نمی‌گیرند.

از جمله تقسیم‌بندی‌هایی که در زمینه‌ی وفاق به عمل آمده، می‌توان به نوع‌شناسی ویلیام هوتون^۴ اشاره کرد: او سه نوع وفاق را از هم تمیز می‌دهد:

۱- وفاق خودجوش^۵: جامعه‌ای که برخوردار از وفاق خودجوش است با مسائل اندکی مواجه است و تغییر و دگرگونی در آن بسیار بطئی صورت می‌گیرد، نمونه‌های آن، دهکده‌های سنتی آمریکای لاتین، آسیای جنوب شرقی و آفریقا هستند به این گونه جوامع "اجتماع طبیعی" نیز گفته می‌شود.

۲- وفاق نوظهور: این نوع وفاق، نتیجه آراء و اندیشه‌هایی است که از آنچه تاکنون مرسوم بوده، متفاوت است و نتیجه‌ی اندیشه‌هایی است که تاکنون فقط به گوش می‌رسیده است و بیشتر در جوامع سکولار شهری و غیرسنتی رخ می‌دهد. در چنین شرایطی اگر اکثریت نیرومند باشد، اقلیت خود را وفق می‌دهند و وفاق برقرار می‌شود.

1 - J. Cazeneuve

2 - D.lerner

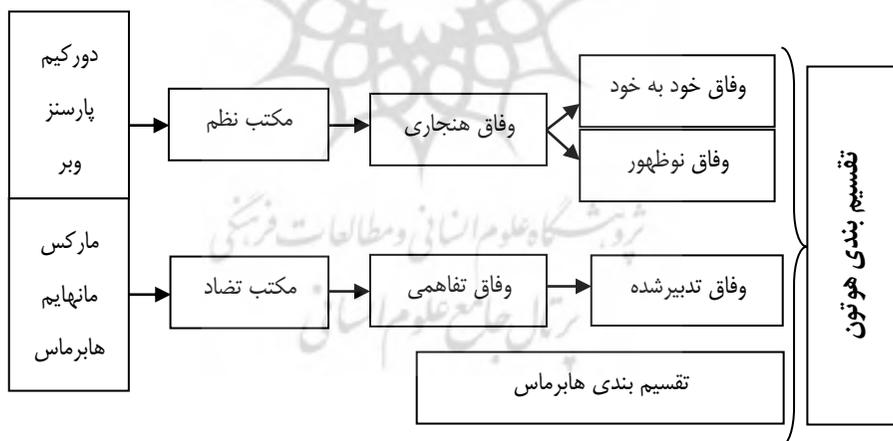
3 - K.Doutsch

4 - W.Howton

5 - Spontaneous consensus

6 - Emergent consensus

۳- وفاق تدبیری^۱: این گونه از وفاق نیز که پدیده‌ای جدید است نیازمند نوع خاصی از نظم بوده که در آن بیان نقطه نظرات رسماً آزاد می‌باشد. در چنین جامعه‌ای، وفاق نوظهور محقق می‌شود، اما نیازمند فن ارتباطات پیچیده و مستلزم انتقال پیام‌ها به طور همزمان به اکثریت جمعیت است. اگر در جامعه‌ای پیرامون هنجارها، باورها، سنت‌ها، وفاق حاصل شود، آنگاه ادعا می‌شود که این جامعه دارای الگوی کنش معتبر است. این نوع وفاق، محصول تلاش صاحب نظرانی است که وفاق را از بعد تفاهمی آن می‌نگرند، یعنی آن را امری پویا می‌دانند (هوتون، ۱۹۹۱: ۵۱۶؛ به نقل از عبداللهی، ۱۳۷۸: ۷-۸). اگر بخواهیم ارتباط این نوع‌شناسی را با نوع‌شناسی که "هابرماس" از وفاق اجتماعی ارائه می‌دهد، برقرار کنیم، آنگاه به جمع‌بندی در این زمینه دست خواهیم یافت. هابرماس دو نوع وفاق را از یکدیگر تشخیص می‌دهد: ۱- وفاق هنجاری ۲- وفاق تفاهمی. ارتباط نوع شناسی هابرماس با نوع شناسی هوتون را می‌توان به گونه‌ی زیر ترسیم نمود: (هابرماس، ۱۹۸۷: ۱۵۰؛ به نقل از همان: ۸-۹)



البته به نظر می‌رسد نمی‌توان به گونه‌ای دقیق این نوع‌شناسی‌ها را بر گونه‌ی خاصی از جوامع تطبیق داد. مثلاً بدین‌گونه عنوان کرد که در جامعه‌ی شهری، با این نوع از وفاق روبرو خواهیم بود؛ چرا که تأثیر عوامل و متغیرهای مختلف بر نظام ارزشی- هنجاری

1 - Manipulated consensus

جوامع، راه را بر هرگونه تطبیق کامل بین این نوع‌شناسی‌ها و گونه‌های مختلف جوامع خواهد بست.

اما اگر نگاهی دورکیمی به جامعه داشته باشیم و آنها را به دسته‌های کلی چون سنتی و جدید تقسیم‌بندی نماییم، آنگاه می‌توان بین نوع نظم حاکم بر جامعه و نوع وفاق اجتماعی نیز رابطه‌ای یافت. بدین لحاظ "در جوامع سنتی که برای جزئی‌ترین اعمال فردی، الگوها و آداب و رسوم خاصی وجود دارد که میراث گذشتگان است بین «من» و «ما» فاصله‌ای نیست و اساساً «من» هویت ندارد، آنگاه وفاق نیز سنتی خواهد بود. اما در جامعه‌ای که رقابت‌های سودجویانه‌ی اقتصادی بر آن حاکم است، افراد حول قواعد اقتصادی و اجرایی آنها انسجام می‌یابند و اعمال آنها قابل محاسبه و تبدیل به کمیتی برای سنجش سود است و از این رو، ارزش‌ها، از محتوایی فایده‌گرایانه برخوردارند. وفاق در چنین جامعه‌ای که بر اساس کنش‌های عقلانی افرادی که گرایش ارزشی‌شان معطوف به منافع خود آنهاست شکل می‌گیرد وفاقی شکننده است. وفاقی که براساس اهداف سیاسی صورت پذیرد نیز از شکنندگی برخوردار خواهد بود (حسین‌زاده، ۱۳۷۳: ۹-۱۰). پس می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت، از آنجایی که مفهوم وفاق اجتماعی با مفهوم نظم پیوند خورده و اغلب جامعه‌شناسان و اندیشمندان کلاسیک در پی پاسخ به مسأله‌ی نظم برآمده‌اند، لاجرم به مفهوم وفاق اجتماعی از زوایای مختلف پرداخته‌اند. می‌توان گفت نوع وفاق، نه با گونه‌ی خاصی از جامعه، بلکه با نوع نظم حاکم بر هر جامعه‌ای، ارتباط مستقیم دارد. چرا که در زمان حاضر نمی‌توان به گونه‌ای خالص از جامعه با ویژگی‌های ثابتی دست یافت تا بتوان آنگاه سخن از نوع خاصی از وفاق به میان آورد. لذا در یک جامعه‌ی شهری، نمی‌توان گونه‌ی خاصی از وفاق را برای کل جوامع شهری تجویز نمود؛ اما می‌توان گفت که آن جامعه تا چه اندازه به وفاق اجتماعی عام یا تعمیم‌یافته نزدیک و تا چه اندازه دور خواهد بود.

فرضیه‌های پژوهش:

- ۱- بین میزان مشارکت اجتماعی و وفاق اجتماعی در بین پاسخگویان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- ۲- بین قشر اجتماعی و میزان وفاق اجتماعی در بین پاسخگویان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- ۳- بین بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی و میزان وفاق اجتماعی در بین پاسخگویان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- ۴- بین میزان تقدیرگرایی و میزان وفاق اجتماعی در بین پاسخگویان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- ۵- بین میزان تحصیلات و میزان وفاق اجتماعی در بین پاسخگویان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

تعریف مفهوم اصلی

وفاق اجتماعی: در این پژوهش مراد از وفاق اجتماعی "توافق جمعی بر سر مجموعه‌ای از اصول و قواعد اجتماعی که در یک میدان تعاملی اجتماعی که خود موجب انرژی عاطفی است، به وجود می‌آید. انرژی عاطفی همزمان نتیجه و موجب (علت و معلول) توافق اجتماعی است (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۵۲). مفهوم وفاق اجتماعی با توجه به شاخص‌های (نظام ارزش‌ها، عام‌گرایی، اکتساب، اعتماد اجتماعی تعمیم یافته) بررسی شده است.

مفهوم	معرف	مقوله (شاخص)
وفاق اجتماعی عام	اجماع بر سر ارزش‌ها و اعتقادات و مجموعه ای از اصول مشترک در یک جامعه	نظام ارزش‌ها عام‌گرایی اکتساب اعتماد اجتماعی تعمیم یافته

روش پژوهش:

روش پژوهش در این مطالعه پیمایشی^۱ می‌باشد. در این پژوهش از تکنیک پرسشنامه همراه با مصاحبه استفاده شده است. سوالات پرسشنامه در سه قسمت طراحی گردید. قسمت اول پرسشنامه، مربوط به سنجش نظام ارزشی پاسخگویان که یکی از شاخص‌های وفاق اجتماعی است، می‌باشد. در این قسمت و برحسب پرسشنامه ی آلپورت^۲ تعدادی از سوالات آن پرسشنامه انتخاب و توسط محقق بومی گردیده‌اند. هر سوال نیز دارای ۶ قسمت بوده که برای سنجش ارزش‌های ششگانه آلپورت به کار می‌روند. در قسمت دوم تعدادی سوال که هر سوال دارای پنج قسمت می‌باشد. برای سنجش سایر شاخص‌های وفاق اجتماعی عام (عام گرایی، اکتساب و اعتماد اجتماعی تعمیم یافته) و همچنین سنجش متغیر تقدیرگرایی طراحی گردیده‌اند. قسمت دیگر این سوالات اختصاص به متغیر مشارکت اجتماعی داشته که با استفاده از مقیاس "چپین" و همچنین چند سوال در طیف لیکرت طرح گردیده‌اند.

جدول (۱) شاخص‌های متغیرهای مستقل و متغیر وابسته و سوالات مربوطه

نام متغیر	شاخص‌ها	تعداد سوالات
وفاق اجتماعی عام	نظام ارزش‌ها	۴
	عام گرایی	۴
	اکتساب	۴
	اعتماد اجتماعی عام	۴
قشر اجتماعی	درآمد	۲
	شغل و منزلت شغلی	۴
	تحصیلات	۱
	تسهیلات و مستغلات	۱۶

1- Survey

2 - G.W.Allport

۶	-	مشارکت اجتماعی عام
۴	-	تقدیرگرایی
۱	-	میزان بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی

جامعه‌ی آماری این پژوهش را تمامی سرپرست خانوارهای شهری تشکیل می‌دهند که در دو شهر واقع در شهرستان ایلام زندگی می‌کنند. شیوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است. برای تعیین حجم نمونه، از فرمول کوکران استفاده و در نهایت ۳۸۰ نفر انتخاب گردید. برای گردآوری اطلاعات نیز پس از مشخص شدن حجم نمونه، از تعدادی از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی و پژوهشگری علوم اجتماعی و تعداد دیگری از دانشجویان علاقمند به تحقیق و پژوهش استفاده شده و پس از تشکیل جلسه و توجیه لازم آن‌ها، پرسشنامه‌ها در اختیار نامبردگان گذاشته شد. پرسشگران نیز با رعایت مسائل خاص پژوهش و اصول پرسشگری، به جمع‌آوری اطلاعات اقدام نمودند. در پژوهش حاضر جهت پردازش داده‌ها در ابتدا از شاخص‌های آمار توصیفی شامل محاسبه شاخص‌های مرکزی، پراکندگی و نمودار استفاده و با توجه به تبیینی بودن پژوهش، از آزمون‌های آماری متناسب با فرضیات از جمله تحلیل واریانس و تحلیل مسیر توسط نرم‌افزار (Amos) استفاده شد. از تحلیل مسیر برای رسم مدل و همچنین آزمون کولموگروف - اسمیرانف (K-S) برای پی بردن به نرمال بودن توزیع داده‌ها استفاده گردید.

قابلیت اعتماد سوالات پرسشنامه از طریق محاسبه آلفای کرونباخ و با استفاده از برنامه آماری SPSS انجام گرفت. اطلاعات پرسشنامه‌های اولیه و ثانویه وارد spss شده و پس از گرفتن آلفای کرونباخ از شاخص‌ها و متغیرها، برخی دیگر از سوالات اصلاح گردید. سپس پرسشنامه مجدداً توزیع و اصلاحات نهایی به عمل آمد. برای بررسی اعتبار صوری، پرسشنامه در اختیار تنی چند از صاحب‌نظران جامعه‌شناسی قرار داده شد و حاصل نظرات آنان، اصلاح بخش‌هایی از پرسشنامه بود. سپس تعداد ۳۰ نسخه از

پرسشنامه‌ها جهت تست اولیه در میان جامعه و به صورت مصاحبه تکمیل گردید. این مرحله نیز پژوهشگر را متوجه برخی دیگر از نواقص و ابهامات در سوالات پرسشنامه نمود که منجر به اصلاح برخی دیگر از سوالات گردید.

جدول (۲) قابلیت اعتماد شاخص‌ها

شاخص	تعداد سوال	ضریب اعتبار آلفای کرونباخ اولیه	گویه‌های حذف یا اصلاح شده	ضریب اعتبار آلفای کرونباخ نهایی
ارزش علمی	۴	۰/۵۴	۱۱۱-۲۲۵-۴۴۲	۰/۶۸
ارزش هنری	۴	۰/۷۴	۴۴۳	۰/۷۹
ارزش مذهبی	۴	۰/۷۶	-	۰/۷۶
ارزش اقتصادی	۴	۰/۷۷	-	۰/۷۷
ارزش اجتماعی	۴	۰/۵۷	۳۳۴-۴۴۶	۰/۷۳
ارزش سیاسی	۴	۰/۷۰	S 7	۰/۸۱
عام گرایی	۴	۰/۶۵	S 11	۰/۷۴
اکتساب	۴	۰/۶۰	S10	۰/۶۸
اعتماد اجتماعی	۴	۰/۷۲	-	۰/۷۲

جدول (۳) قابلیت اعتماد متغیرها

متغیر	تعداد سوال	ضریب اعتبار آلفای کرونباخ اولیه	گویه‌های حذف و یا اصلاح شده	ضریب اعتبار آلفای کرونباخ نهایی
وفاق اجتماعی عام	۳۶	۰/۷۶	-	۰/۷۶
مشارکت اجتماعی	۴	۰/۶۴	S 32 و ۲۶ و S 25	۰/۸۲
تقدیرگرایی	۴	۰/۷۵	-	۰/۷۵
قشر اجتماعی	۱۴	۰/۷۸	S 46 و 49 و S 51	۰/۸۴

یافته‌ها

جدول (۴): توزیع میزان وفاق اجتماعی عام در بین پاسخگویان

میزان وفاق	پایین پایین	پایین تر از متوسط	متوسط	بالا تر از متوسط	بالای بالا	جمع
فراوانی	۳	۳۶	۱۴۷	۱۷۸	۱۶	۳۸۰
درصد	۰/۸	۹/۵	۳۸/۷	۴۶/۸	۴/۲	۱۰۰
میانگین			انحراف استاندارد			
۳/۲۶			۰/۸۲			

میانگین نمره‌ی وفاق اجتماعی عام در نزد پاسخگویان نشان می‌دهد که اکثریت پاسخگویان دارای وفاق اجتماعی در حد متوسط و بالاتر از آن قرار دارند (۳/۲۶ از ۵)

جدول شماره (۵) ارتباط بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته وفاق اجتماعی از طریق ضریب

همبستگی

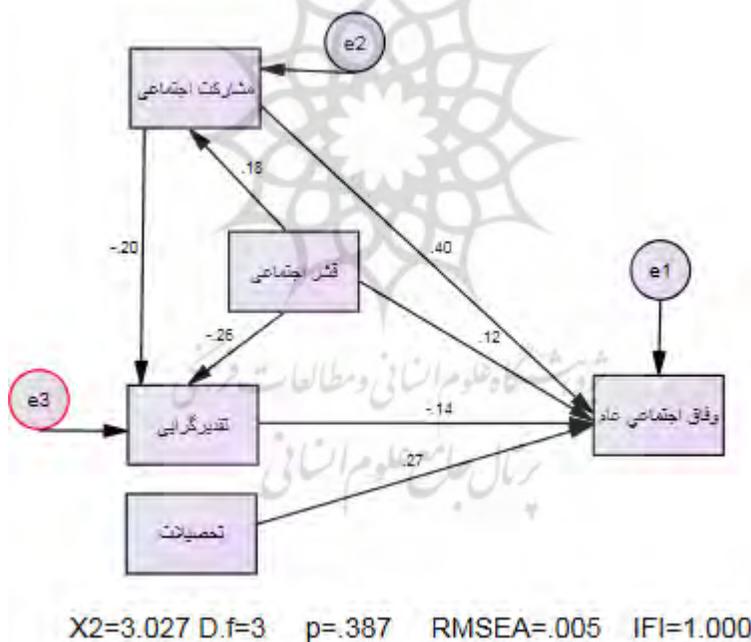
نام متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری	تعداد
تحصیلات	۰/۲۵۳	۰/۰۰۰	۳۸۰
تقدیرگرایی	۰/۲۴۸	۰/۰۰۰	۳۸۰
مشارکت اجتماعی عام	۰/۱۷۱	۰/۰۰۱	۳۸۰
قشر اجتماعی	۰/۲۰۱	۰/۰۰۰	۳۸۰
وسایل ارتباط جمعی	۰/۱۰۳	۰/۰۴۴	۳۸۰

داده‌های جدول نشان می‌دهد که رابطه‌ی بین تمامی متغیرهای مستقل با وفاق اجتماعی تأیید گردیده است.

برای دستیابی به تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، تعیین سهم هر یک از متغیرها در تبیین متغیر وابسته و نوشتن معادله خط رگرسیونی استاندارد شده از تحلیل مسیر استفاده شد.

بررسی مدل نظری پژوهش:

به منظور بررسی مدل نظری پژوهش، از مدلسازی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم افزار آموس (AMOS) استفاده شده است. در این پژوهش متغیر وفاق اجتماعی عام، به عنوان متغیر وابسته، متغیر قشر اجتماعی و تحصیلات متغیرهای مستقل بیرونی و متغیرهای تقدیرگرایی و مشارکت اجتماعی به عنوان متغیر و مستقل درونی انتخاب شده‌اند. روابط ترسیم شده نشانگر آن است که روابط بین متغیرها به صورت مستقیم و غیرمستقیم است. پس از ورود داده‌ها و تحلیل آماری مربوطه، مدل زیر مورد تأیید قرار گرفته است. شاخص‌های ارزیابی مدل و روابط بین متغیرها از شرایط مناسبی برخوردارند. در ادامه مدل نهایی، روابط بین متغیرها و شاخص‌های ارزیابی آمده است:



جدول شماره (۶) اثرات مستقیم (استاندارد شده)

تقدیرگرایی	تحصیلات	مشارکت اجتماعی	قشر اجتماعی	
-	-	-	۰/۱۸۰	مشارکت اجتماعی
-	-	-۰/۲۰۲	-۰/۲۵۵	تقدیرگرایی
-/۱۴۰	۰/۲۷۳	۰/۴۰۰	۰/۱۲۴	وفاق اجتماعی

در جدول فوق اثرات مستقیم متغیرهای قشر اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تحصیلات و تقدیرگرایی بر متغیرهای دیگر مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول شماره (۷) اثرات غیرمستقیم

تقدیرگرایی	تحصیلات	مشارکت اجتماعی	قشر اجتماعی	
-	-	-	-	مشارکت اجتماعی
-	-	-	-۰/۰۳۶	تقدیرگرایی
-	-	۰/۰۲۸	۰/۱۱۳	وفاق اجتماعی

در جدول فوق اثرات غیر مستقیم متغیرهای قشر اجتماعی و مشارکت اجتماعی بر متغیرهای تقدیرگرایی و وفاق اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول شماره (۸) اثرات مجموع (استاندارد شده)

تقدیرگرایی	تحصیلات	مشارکت اجتماعی	قشر اجتماعی	
-	-	-	۰/۱۸۰	مشارکت اجتماعی
-	-	-۰/۲۰۲	-۰/۲۹۲	تقدیرگرایی
-/۱۴۰	۰/۲۷۳	۰/۴۲۹	۰/۲۳۶	وفاق اجتماعی

در جدول فوق مجموع اثرات (مستقیم و غیرمستقیم) متغیرهای قشر اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تحصیلات و تقدیرگرایی بر متغیرهای دیگر مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول شماره (۹) رابطه بین متغیرهای مدل نهایی

نتیجه	سطح معناداری	مقدار استاندارد		
مشارکت اجتماعی	۰/۰۰۰	۰/۱۸۰	قشر اجتماعی	مشارکت اجتماعی
قشر اجتماعی	۰/۰۰۰	-۰/۲۵۵	تقدیرگرایی	قشر اجتماعی
مشارکت اجتماعی	۰/۰۰۰	-۰/۲۰۲	تقدیرگرایی	مشارکت اجتماعی
تقدیرگرایی	۰/۰۰۲	-۰/۱۴۰	وفاق اجتماعی	تقدیرگرایی
قشر اجتماعی	۰/۰۰۵	۰/۱۲۴	وفاق اجتماعی	قشر اجتماعی
مشارکت اجتماعی	۰/۰۰۰	۰/۴۰۰	وفاق اجتماعی	مشارکت اجتماعی
تحصیلات	۰/۰۰۰	۰/۲۷۳	وفاق اجتماعی	تحصیلات

در جدول فوق رابطه بین متغیرها و سطح معناداری آمده است. بر اساس سطح معناداری بدست آمده، نتیجه رابطه مشخص شده است. در ضمن متغیر میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی معنادار نبوده و از مدل نهایی حذف گردیده است.

جدول شماره (۱۰) شاخص‌های برازش مدل نهایی

RMSEA	CFI	IFI	CMIN/DF	P	CMIN/DF	
۰/۰۰۵	۱	۱	۱/۰۰۹	۰/۳۸۷	۳/۰۲۷	مدل نهایی
کمتر از ۰/۰۵	بزرگتر از ۰/۹۰	۱-۰	کمتر از ۳	بزرگتر از ۰/۰۵	۱-۵	دامنه پذیرش

در جدول فوق مقادیر شاخص‌های برازش مدل نهایی آمده است. تمامی شاخص‌های بدست آمده نشان می‌دهد که مدل از برازش مطلوبی برخوردار است. لازم به یادآوری است که در مدل نهایی، ۳۲/۵ درصد از واریانس متغیر وابسته (وفاق اجتماعی عام) توسط متغیرهای انتخاب شده تبیین شده است.

تفسیر یافته‌ها

با نگاه به تحولات جهان معاصر، لزوم وفاق اجتماعی بیش از پیش احساس می‌شود. ارتباط وفاق اجتماعی با مسأله‌ی نظم باعث شده که این مفهوم علیرغم گذشت سده‌های زیادی از طرح آن همچنان در کانون توجه مجامع علمی باشد. میزان وفاق اجتماعی در جامعه، قابلیت همکاری افراد جامعه در زمان تهدید و فرصت را نشان می‌دهد. وفاق اجتماعی، مسیر توسعه و افزایش محتوای مردم‌سالارانه‌ی نهادهای سیاسی و اجتماعی را هموار ساخته و راه را برای اصلاحات اجتماعی در جامعه می‌گشاید.

پژوهش حاضر به بررسی مسأله‌ی وفاق اجتماعی در جامعه‌ی شهری می‌پردازد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در جامعه‌ی مورد مطالعه، میزان وفاق اجتماعی در حد متوسط و یا بالاتر از آن بوده است. با توجه به اهمیت میزان وفاق اجتماعی که پیش‌تر بدان پرداخته شده، بالا بردن میزان وفاق، دستاوردهای بسیاری را برای جامعه به دنبال دارد. هرچند هیچکدام از تحقیقات انجام شده در این راستا به میانگین وفاق اجتماعی در جوامع مورد مطالعه‌ی خود اشاره‌ای نکرده‌اند اما نتایج حاصل از بررسی شاخص‌های وفاق اجتماعی در میان این تحقیقات نشان از بالا بودن سطح وفاق اجتماعی می‌کند. با توجه به این مباحث باید به ارتقاء میزان وفاق در جامعه‌ی ایرانی اندیشید تا از موهبت‌های آن نیز برخوردار گشت. اما نتایج این تحقیق مباحث دیگری را در مورد وفاق اجتماعی آشکار می‌سازد. جامعه‌ی شهری یکدستی خاصی در ارزش‌ها و هنجارها داشته و همین یکدستی سبب تحت‌الشعاع قرار دادن آزمون‌ها گشته است. با استناد به بخشی از مباحث نظری این پژوهش می‌توان عنوان نمود که ما در برخی از مسائل با نوعی «وفاق کاذب» روبرو بودیم. بدین معنا که پاسخگویان در مورد برخی از مباحث چون «شایسته‌سالاری» توافق داشتند اما در عرصه‌ی عمل خصوصاً در انتخابات به این توافق نظری خود، پایبند نبوده و عمل نمی‌کنند.

گرایش بیشتر نسل جوان سرپرستان خانوار به وفاق اجتماعی عام، نویدبخش آینده‌ای بهتر برای جامعه دارد. این نتیجه از تحقیق که با نتایج مطالعه‌ی جوزف و ایلین جان

(۲۰۰۳) شباهت دارد نشان دهنده‌ی آن است که نسل نو با نسل‌های قدیمی‌تر در زمینه‌ی شاخص‌هایی چون عام‌گرایی، اکتساب، اعتماد اجتماعی عام و در نظام‌های ارزشی خود، متفاوت می‌باشند.

از جمله متغیرهایی که در میان پاسخگویان رابطه‌ی خود را با وفاق اجتماعی نشان داد متغیر مشارکت اجتماعی بود. نتایج این تحقیق در این زمینه که با نتایج پژوهش‌های کوثری (۱۳۷۵) و ازکیاء و غفاری (۱۳۸۰) همخوانی نشان داده و موید نظریات پاتنام است، که عقیده دارد، مشارکت اجتماعی بیشتر به همبستگی اجتماعی بیشتری می‌انجامد. نتایج این تحقیق نیز نشان می‌دهد که متغیر مشارکت اجتماعی بالاترین سهم را در میزان وفاق اجتماعی تأثیرگذار و تبیین‌کننده بوده است. قشر اجتماعی نیز از دیگر متغیرهایی بود که در این پژوهش رابطه‌ی آن را با وفاق اجتماعی بررسی گردید. نتایج این تحقیق همانند نتایج پژوهش‌های صداقت زادگان (۱۳۷۷)، مدیرپناه (۱۳۷۹)، قاسمی (۱۳۸۴) و روان‌بخش (۱۳۸۶) دال بر رابطه‌ی بین قشر اجتماعی و وفاق اجتماعی داشته و به تأیید نظریات هینمان (۱۳۸۳) می‌انجامد. اما آزمون رگرسیون، نکات دیگری را در این زمینه بر ما آشکار می‌سازد بدین گونه که با وجود معنی‌داری رابطه‌ی بین قشر اجتماعی و وفاق اجتماعی، قدرت تبیین‌کنندگی این متغیر نسبت به سایر متغیرها پایین‌تر بوده به طوری که تقریباً ۰/۱۲ از تغییرات وفاق اجتماعی، توسط این متغیر تبیین می‌شود. ناهمخوانی شاخص‌های قشر اجتماعی چون (درآمد، شغل و برخورداری از تسهیلات زندگی) با نوع ارزش‌های عام‌گرایانه که به عنوان شاخص وفاق اجتماعی محسوب گردیده‌اند، ما را به این نظر می‌رساند که برخورداری بالاتر از امکانات زندگی، لزوماً با داشتن ارزش‌های عام‌گرایانه همراه نیست و در این زمینه، شکافی بین نوع درآمد و امکانات زندگی با نوع ارزش‌های عام‌گرایانه‌ی آنها وجود دارد. دوام و تداوم این شکاف، به پس‌افتادگی فرهنگی منجر خواهد شد.

از جمله متغیرهایی که در این پژوهش به آزمون رابطه‌ی آن با وفاق اجتماعی پرداخته شد متغیر تقدیرگرایی بود. با توجه به دیدگاه‌های ارائه شده در زمینه‌ی توسعه و موانع آن

و به خصوص در نظریات راجرز، تقدیرگرایی از موانع توسعه محسوب شده است. نتایج این پژوهش نیز بیانگر رابطه‌ی معنی‌دار اما معکوس بین تقدیرگرایی و وفاق اجتماعی است. به بیان دیگر افرادی که از میزان بالایی از وفاق اجتماعی برخوردار بوده از کمترین میزان تقدیرگرایی نیز برخوردار بوده‌اند. نتایج این پژوهش مؤید دیدگاه‌های اندیشمندانی چون راجرز، فاستر و ردفیلد در این زمینه بوده و تقدیرگرایی از موانع وفاق اجتماعی در جامعه محسوب می‌گردد. تعیین کنندگی این متغیر در جامعه‌ی شهری ۱۴/۰- بوده و همین امر بیانگر ساخت اماکن شهری در جوامع است که ساختاری شبه روستایی دارند. متغیر دیگری که رابطه‌ی آن با وفاق اجتماعی آزمون گردید متغیر بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی بود. نتایج این تحقیق بیانگر عدم وجود رابطه بین این دو متغیر می‌باشد. به بیان دیگر و بر اساس نتایج این تحقیق، می‌توان گفت که متغیر بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی تأثیر بر مساله‌ی وفاق اجتماعی نداشته است. نتایج این تحقیق با نتایج بدست آمده از تحقیقات صداقت زادگان (۱۳۷۷) و قاسمی (۱۳۸۴) تا حدودی نزدیک می‌باشد. این عدم معنی‌داری رابطه‌ی بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی با وفاق اجتماعی دیده شده است. در مورد رابطه‌ی وسایلی چون (رادیو، تلویزیون، کتاب، ویدئو، روزنامه و اینترنت) با وفاق اجتماعی می‌توان گفت که رابطه‌ی مطالعه‌ی کتاب، روزنامه و استفاده از اینترنت با وفاق اجتماعی معنی‌دار و مثبت و رادیو، تلویزیون و ویدئو معنی‌دار نبوده است ($\text{sig} > 0/05$). از آزمون این فرضیه می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که رادیو و تلویزیون در کشور ما نتوانسته است آن کارویژه‌هایی که "کارل دویچ" آنها را بر می‌شمارد ایفا نماید، او ایجاد تفاهم و تساهل میان فرهنگ‌ها و ارزش‌ها، همسازی گروه‌های مختلف اجتماعی و همبستگی ملی و بین‌المللی را مهمترین کارویژه‌های وسایل ارتباط جمعی دانسته است. دوم اینکه، نتایج این تحقیق نشان دهنده‌ی آن است که تاثیر ابزارهایی چون روزنامه و کتاب و اینترنت بر وفاق اجتماعی بیشتر بوده و افرادی که از این وسایل ارتباط جمعی بیشتر استفاده می‌کنند از وفاق بالاتری برخوردارند. اما استفاده

کنندگان از رادیو و تلویزیون نتوانسته‌اند، در راستای ایجاد وفاق اجتماعی عام در جامعه موثر باشند.

تحصیلات نیز از جمله متغیرهایی است که به آزمون گذاشته شد. نتایج این تحقیق نشان داد که بین تحصیلات و وفاق اجتماعی رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار وجود دارد. این نتیجه از آزمون فرضیه با نتایج حاصل از پژوهش‌های جوزف وایلین جان (۲۰۰۳) در خارج از کشور و صداقت زادگان (۱۳۷۷)، قاسمی (۱۳۸۴) همخوانی داشت و مؤید دیدگاه‌های چلبی در این زمینه می‌باشد. اما این نتیجه با نتیجه‌ی پژوهش روان‌بخش (۱۳۸۷) مبنی بر اینکه گروه‌های بیسواد و کم‌سواد از میانگین انسجام بالاتری نسبت به سایر گروه‌های تحصیلی برخوردارند متفاوت می‌باشد. شاید یکی از دلایل این تفاوت، به تعریف و ارائه شاخص‌های متفاوت برای وفاق اجتماعی برگردد.

پیشنهادها

۱- وفاق اجتماعی عام، بنیان اصلی توسعه و پیشرفت جامعه است. هم‌اندیشی در زمینه‌ی راه‌های ارتقای آن ضرورتی اساسی به شمار می‌آید. نتایج پژوهش حاضر نیز بیانگر حد متوسط آن در جامعه‌ی مورد مطالعه است و ضرورت فراهم‌سازی بستر ارتقای آن احساس می‌شود. البته اگر وفاق اجتماعی، حالتی کاذب به خود گیرد آنگاه به مانع توسعه تبدیل شده و لذا بایستی با اتخاذ راهکارهایی از این امر پیشگیری نمود.

۲- نتایج پژوهش نشان داد که نسل جدید و جوان، نسبت به نسل‌های پیشین گرایش بالاتری به وفاق اجتماعی عام داشته‌اند. این نتیجه هم فرصت و هم تهدید به حساب می‌آید. فرصت داشتن جامعه‌ای با داشتن شهروندانی برخوردار از وفاق اجتماعی عام و تهدید وجود شکافی اجتماعی در جامعه که بایستی مدنظر برنامه‌ریزان نظام فرهنگی - اجتماعی قرار گیرد.

۳- تأثیر مشارکت اجتماعی بر ایجاد و تقویت وفاق اجتماعی، لزوم حضور شهروندان در نهادهای مدنی و تقویت این نهادها از سوی کارگزاران جامعه را می‌طلبد. این امر باعث تسریع شکل‌گیری جامعه‌ای توسعه‌یافته خواهد شد.

۴- رادیو و تلویزیون از مهم‌های ابزارهای تربیت شهروندان خصوصاً در جامعه‌ی ماست. شهروندان معتقدند این ابزارها نتوانسته‌اند به ایجاد وفاق اجتماعی عام در جامعه کمک نمایند. اصلاح رویکرد رادیو و تلویزیون در این زمینه نویدبخش جامعه‌ای پویاتر خواهد بود.

۵- تقدیرگرایی یکی از موانع فرهنگی و اجتماعی توسعه در کشورهای کمتر توسعه است. از آنجا که تقدیرگرایی با وفاق اجتماعی رابطه‌ای معکوس و معنی‌دار دارد، شناخت میزان تقدیرگرایی و عوامل مرتبط با آن می‌تواند در برنامه‌ریزی و توسعه فرهنگی جامعه تأثیر زیادی داشته باشد. تبلیغ و اشاعه‌ی مبانی اصلی و دقیق متون دینی در جامعه‌ی ما، نگاه واقع بینانه و علمی به متون دینی و ترویج ارتباط منطقی بین علم و دین، می‌تواند تفاوت باورهای تقدیرگرایانه را از متون اصلی دینی بازشناخته و در کاستن از باورهای تقدیرگرایانه در جامعه موثر باشد.

منابع:

- ازکیاء، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰)، بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان یافته‌ی روستائیان در نواحی روستایی شهرستان کاشان، فصلنامه اقتصادی کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره ۳۶، صص ۲۰۵-۱۷۵.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۰)، وفاق اجتماعی از چند منظر [مصاحبه]، تهران: فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۲۵-۲۴، پاییز، صص ۲۰-۱۷.
- افروغ، عماد (۱۳۷۸)، خرده فرهنگ‌ها و مشارکت اجتماعی، وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی [ویژه گردهمایی وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی]، با نظارت محمد عبداللهی، تنظیم: محسن فردرو و دیگران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، صص ۱۳۵-۱۵۶.
- بودن، ریمون و بوریکو، فرانسوا (۱۳۸۵)، فرهنگ جامعه‌شناسی انتقادی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- بیرو، آلن (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان، چاپ دوم.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، تهران: سلام، چاپ اول.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۵)، تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: نشرنی، چاپ اول.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشرنی، چاپ اول.
- حسین زاده، فهیمه (۱۳۷۳)، الگوهای فرهنگی حاکم بر نظم و وفاق به عنوان پیش شرط توسعه در جاجرم، تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- روانبخش، محمدحسین (۱۳۸۶)، بررسی تطبیقی میزان انسجام اجتماعی اقشار اجتماعی شمال و جنوب شهر تبریز، اصفهان: مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، جلد ۲۲، شماره ۲، صص ۳۵-۴۶.

- ریتزر، جورج (۱۳۷۴)، **نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ دوم.
- صداقت‌زادگان، شهناز (۱۳۷۷)، عوامل موثر بر وفاق اجتماعی با تأکید بر جامعه‌پذیری و قشر اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، استاد راهنما: محمد عبداللهی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- صداقت‌زادگان، شهناز (۱۳۷۸)، عوامل موثر بر وفاق اجتماعی، وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی [ویژه‌گردهمایی وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی]، با نظارت محمد عبداللهی، تنظیم: محسن فردرو و دیگران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، صص ۱۰۵-۷۵.
- عبداللهی، محمد (۱۳۷۸)، وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی (مجموعه مقالات ویژه‌گردهمایی وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۱)، **نظریه‌های جامعه‌شناختی ۲ (جزوه‌ی درسی)**، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.
- عبداللهی، محمد (بی‌تا)، **بحران هویت جمعی؛ دنیامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران**، تهران: نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، مجموعه مقالات، دفتر اول.
- قاسمی، روح‌الله (۱۳۸۴)، **بررسی عوامل موثر بر وفاق اجتماعی در بوشهر**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، استاد راهنما: محمد عبداللهی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- کوثری، مسعود (۱۳۷۵)، **بررسی تاثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستائیان استان خراسان در فعالیت‌های عمرانی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: مسعود چلبی، دانشگاه تربیت مدرس.

- مدیرپناه، علیرضا (۱۳۷۹)، بررسی تأثیر قشربندی بر وفاق اجتماعی در شهر رامسر، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، استاد راهنما: طاهره قادری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

- مقصودی، مجتبی (۱۳۷۸)، میزگرد وفاق اجتماعی (۲)، تهران: فصلنامه مطالعات ملی، سال نخست، زمستان ۱۳۷۸ و بهار ۱۳۷۹، صص ۵۸-۱۴.

- میدری و دیگران (۱۳۸۳)، حکمرانی خوب بنیان توسعه، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- نیک‌گهر، عبدالحسین (۱۳۷۳)، مبانی جامعه‌شناسی، تهران: رایزن، چاپ چهارم.

-Chan, Joseph & Chan, Elaine. (2003). **An Exploration of the state of social cohesion Hog kong**, conference of social cohesion (28 Nov 2003).

-Green, Andy, Preston, John. Sabates, Ricardo (2003). **Education, Equity and social cohesion: A distributional model**. London wc 1 HoAl.

- Habermas, J. (1983). **Remark son the discussion**, op. cit. p. 127. quoted by leet, op. cit, pp 85-87.

-Howton, Wiliam. (1991). **Consensus. Encyclopedia American Curlier incorporated**, Volume 7, P 516

-Scheff, Thomas J. (1967). **Toward a sociological model of consensus**. American sociological Review. Vol 32, No. 1. pp32-46.